



DOR: 20.1001.1.27833542.1400.1.1.2.0

A STUDY OF SA'ADIYYA SHAIKH'S READING OF IBN AL-ARABI'S THOUGHTS ON WOMEN

(Received: 11 April 2021 / Accepted: 17 August 2021)

Nafiseh Danesh Fard¹

Marzieh Mohasses²

ABSTRACT

In recent years, new readings of Islamic sources have been made. The study of various written works in this field with a scientific approach and by using the correct research methods will have a significant effect on Islamic discourse and research. Sa'adiyya Shaikh, a professor at the University of Cape Town in South Africa, is one of the leading scholars in the field of reviewing the opinions of Muslim commentators. In his book "Sufi Narrations of Intimacy: Ibn al-'Arabi, Gender, and Sexuality", he designed a different model for proving the equality of men and women in the Islamic view, and a strategy for analyzing and benefiting from the ideas of Ibn al-'Arabi as a famous Islamic mystic commentator. The present article has studied the views of Sa'adiyya Shaikh in the aforementioned book by descriptive-analytical method. The most important findings indicate that by emphasizing the necessity of using Ibn al-'Arabi's mystical attitudes, practices and experiences, he has concluded the similarity of the Islamic view with egalitarian approaches. In criticizing her view, the most important difference between the Islamic approach and the feminist approach will be pointed out that the differences between men and women in the field of creation, responsibilities, rights, as well as belief in the purpose of creation and universal divine wisdom in Islamic thought. From the Islamic point of view, based on the purposefulness of creation, the different sexual identities of men and women are the source of different positions and duties.

KEYWORDS: Ibn al-'Arabi, Mystical Interpretation, Gender, Sa'adiyya Shaikh

1- Master's degree, Women Studies, Al-Zahra University, Tehran, Iran, (Corresponding Author).
N.daneshfard@yahoo.com

2- Assistant Professor, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. m_mohasses@sbu.ac.ir

بررسی خوانش سعدیه شیخ از اندیشه‌های ابن عربی درباره زنان

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۶)

نفسیه دانش فرد^۱، مرضیه محمص^۲

چکیده

سال‌های اخیر، خوانش‌های جدیدی از منابع اسلامی انجام گرفته است. بررسی آثار متنوع مکتوب در این عرصه با رویکردی علمی و با بهره‌گیری از روش‌های صحیح پژوهشی تأثیر شایانی بر گفتمان اسلام‌پژوهی خواهد داشت. سعدیه شیخ، استاد دانشگاه کیپ‌تاون آفریقای جنوبی، یکی از محققان برجسته در عرصه بازخوانی دیدگاه‌های مفسران مسلمان است. وی در کتاب *روایت‌های صوفیانه از صمیمیت، ابن عربی، جنسیت و گرایش جنسی*، به طراحی الگویی متفاوت برای اثبات برابری زنان و مردان در نگاه اسلامی پرداخته و از راهبرد واکاوی اندیشه‌های ابن عربی به‌عنوان یک مفسر عارف نامدار اسلامی، بهره گرفته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی دیدگاه‌های سعدیه شیخ در کتاب پیش‌گفته پرداخته است. مهم‌ترین یافته‌ها حاکی از آن است که وی از رهگذر تأکید بر ضرورت استفاده از نگرش‌ها، عملکردها و تجارب عرفانی ابن عربی، قرابت نگاه اسلامی با رویکردهای برابری طلب را نتیجه گرفته است. در نقد دیدگاه وی به مهم‌ترین وجه تمایز رویکرد اسلامی از رویکرد فمینیستی اشاره خواهد شد که تفاوت‌های زن و مرد در عرصه تکوین، نقش‌ها، حقوق، اعتقاد به هدفمندی خلقت و حکمت فراگیر الهی در اندیشه اسلامی است. از منظر اسلامی، بر اساس غایت‌مندی آفرینش، هویت‌های جنسی متفاوت مردان و زنان، منشأ جایگاه و نقش‌های متفاوت است.

واژگان کلیدی: ابن عربی، تفسیر عرفانی، جنسیت، سعدیه شیخ

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد، مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

N.daneshfard@yahoo.com

۲- استادیار، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. m_mohases@sbu.ac.ir

مقدمه

در اسلام، کمال معنوی، وابسته به جنسیت نیست. این نگاه فراجنسیتی به ویژه در عرفان اسلامی، با وضوح و روشنی بیشتری قابل مشاهده است. دست یابی به قرب الهی با پیمودن صراط و گذر از منازل سلوک محقق می شود و سلوک عرفانی، انتقال انسان از یک عمل قلبی به عمل قلبی دیگر در دامنه قلب است (جامی، ۱۸۵۸م: ۶۴۰). سالکان در سیر طولی و قوس صعودی تا نقطه پایانی صراط مستقیم که همان لقای الهی است، حرکتی تدریجی دارند (رک: فضلی، ۱۳۹۰: ۵۶).

در دهه های گذشته، مطالعات عرفان اسلامی به حوزه ای مستقل در برنامه پژوهشی محافل دانشگاهی غربی تبدیل شده است. آشنایی با آثار متنوع مکتوب در این عرصه با رویکردی علمی و با بهره گیری از روش های صحیح پژوهشی تأثیر شایانی بر گفتمان اسلام پژوهی خواهد داشت. مروری بر این آثار تأثیرگذار از میان حجم انبوه این پژوهش ها می تواند در این راستا مفید باشد و گفتمان جدیدی را به فضای فکری مطالعات اسلامی مطرح نماید.

مقاله هایی با رویکردهایی متفاوت به جایگاه عرفانی زن در دیدگاه ابن عربی پرداخته اند؛ از جمله در مقاله ای با عنوان «رهیافت به فمینیسم اسلامی: خوانش دیدگاه سعدیه شیخ و پردازش فمینیستی او را از آراء ابن عربی» (۱۳۹۹) نوشته محمدصادق هدایت زاده و سهیلا پیروزفر، نگرش های سعدیه شیخ را بر اساس آرای ابن عربی بررسی کرده و مسائل چالش برانگیز زنان همچون برتری مرد بر زن، شهادت زنان و... را با برداشت های شیخ مورد توجه قرار داده است. در رساله دکتری محسن بدره با عنوان «تحلیل و نقد مبانی معرفتی فمینیسم اسلامی» نیز به دیدگاه های سعدیه شیخ با تأکید بر آرای ابن عربی پرداخته است. مقاله ای با عنوان «مقام زن در عرفان ابن عربی در حدود شریعت» (۱۳۸۱) نوشته محسن جهانگیری، بر این نکته تأکید داشته است که انسانیت، حقیقتی جامع و مشترک میان مرد و زن است و ذکورت و انوخت امری عارضی است؛ بنابراین هر کمالی که ممکن است مردان بدان برسند، زنان هم می توانند بدان نایل آیند و زنان از هیچ کمالی و مرتبه ای محجور نیستند، حتی مرتبه والای ولایت و قطیبت پیامبر (ص) به کمال برخی از زنان همچون مریم، دختر عمران و آسیه، زن فرعون نیز وجود دارد. مقاله ای دیگر با عنوان «بررسی تطبیقی سیمای زن مولانا و ابن عربی» (۱۳۹۱) نوشته عباس عرب و فاطمه صحرائی، به واکاوی وجوه افتراق دیدگاه دو عارف بزرگ قرون وسطی به زنان می پردازد.

آثار سعدیه شیخ تا کنون به فارسی ترجمه نشده است، ولی از رهگذر بررسی روایت‌های صوفیانه از صمیمیت، ابن عربی، جنسیت و گرایش جنسی، چنین برداشت می‌شود که تجارب عرفانی صوفیان دست‌مایه ادبیات برابری‌طلبانه در موضوع مطالعات اسلامی جنسیت شده است. سعدیه شیخ، خوانش‌های مردسالارانه در تفسیر آیات قرآنی را متأثر از بافت فرهنگی پیشامدرن می‌داند؛ حال آن‌که تجربیات عرفانی صوفیان ممتازی همچون ابن عربی با این دست هنجارهای زمانه کاملاً متمایز بوده است. در نگاه ابن عربی، انسانیت به جای جنسیت مطرح است و نگره‌های فرودستی معنوی زنان رنگ می‌بازد.

لازم به ذکر است که پژوهش حاضر کوشیده است تا خوانش سعدیه شیخ را در نگاهی متمایز از سایر پژوهش‌های انجام‌شده بر اساس دیدگاه‌های عرفانی ابن عربی تبیین نماید. آنچه در مقاله «رهیافتی به فمینیسم اسلامی: دیدگاه سعدیه شیخ و پردازش فمینیستی او از آراء ابن عربی» مورد توجه قرار گرفته است، جمع‌آوری اقوال و یافته‌هایی در مورد شیخ و دیدگاه وی با تأکید بر نگرش ابن عربی در آثار نویسندگان مختلف است. در این پژوهش سعی می‌شود با تأکید بر اثر مهم شیخ به نام *روایت‌های صوفیانه از صمیمیت: ابن عربی، جنسیت و گرایش جنسی*، به شرح و تبیین تفسیر شیخ با تأکید بر تصوّف در نگرش ابن عربی پرداخته شود. شیخ در کتابش بر این نکته تأکید دارد که رویکردی را در آثار ابن عربی اتخاذ کرده است که می‌تواند اهداف فمینیسم اسلامی را محقق کند. او معتقد است تا کنون نیز از آثار ابن عربی برداشت‌ها و تفاسیری صورت گرفته است که با مفاهیم سنتی در حوزه جنسیت، هم‌خوانی داشته است. او در این کتاب، به تمایز خوانش خود و خوانش‌های سنتی از رویکرد ابن عربی اشاره می‌کند و اهمیت فرهنگ و سنت رایج قرن سیزدهم در برخی دیدگاه‌های ابن عربی را مورد توجه قرار می‌دهد؛ بنابراین شیخ، گفتمان فقه سنتی را در دوران پیشامدرن، عامل آزادی بیشتری برای زنان می‌داند (Shaikh, 2012: 222). در این پژوهش، تأکید اصلی بر کتاب مهم شیخ است و از این رهگذر، با ترجمه و تحلیل فصول کتاب به بررسی و ارائه دیدگاه‌های وی در این حوزه پرداخته می‌شود. بررسی توصیفی و تحلیلی‌ای که تاکنون به صورت جامع از این اثر مهم وی صورت نگرفته است. پس این نوشتار، در پی پاسخ‌گویی به دو سؤال اساسی است که سعدیه شیخ چگونه به بازخوانی اندیشه‌های عرفانی ابن عربی درباره زنان با تأکید بر کتاب *روایت‌های صوفیانه از صمیمیت: ابن عربی، جنسیت و گرایش جنسی* پرداخته است؟ و خوانش سعدیه شیخ از اندیشه‌های ابن عربی درباره زنان چه دلالت‌هایی در عرصه اسلام‌پژوهی دارد؟

۱- معرفی سعیدیه شیخ

پروفسور سعیدیه شیخ استاد دانشگاه کیپ تاون آفریقای جنوبی است. وی دوره دکتری خود را در مطالعات دین در دهه ۱۹۹۰ در دانشگاه تمپل در فیلادلفیا گذراند. تحقیقات وی در زیرشاخه‌ی مطالعات اسلامی و بازخوانی دیدگاه‌های عارفان مسلمان است. کتاب *Sufi narratives of intimacy, Ibn Arabi, gender, sexuality* از سعیدیه شیخ در ۲۰۱۲ میلادی، در انتشارات دانشگاه نورت کارولین منتشر گردید و مجدد در ۲۰۱۳ میلادی توسط انتشارات دانشگاه کیپ تاون و انتشاراتی در دهلی نو چاپ شد. زمینه تحقیقات او شامل خوانش‌هایی از تفاسیر قرآنی، متون عرفانی، مباحث نظری جنسیت در اسلام است. ایشان حدود ۳۰ عنوان مقاله پژوهشی در حوزه مطالعات اسلامی ۱ و مقالات مندرج در کتب متعدد منتشر کرده است.

بخش مهمی از کتاب خود با عنوان *روایت‌های صوفیانه از صمیمیت: ابن عربی، جنسیت و گرایش جنسی*، به بررسی این مسئله اختصاص دارد که در آثار تفسیری سده‌های میانه جنسیت چگونه ساخته و پرداخته شده است؟ آیا با زن به‌عنوان موجودی غیرمنطقی، مادی و شهوانی و ناتوان در رهبری، تفکر و دانش رفتار شده است؟ در حالی که مردان را به‌عنوان موجوداتی برتر و حتی واسطه‌های فیض الهی برای زنان تلقی کرده‌اند؟ سعیدیه شیخ خود را زنی مسلمان می‌داند که جهان وجودی و اخلاقی‌اش مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی است (۲۰۰۴:۷۸, Shaikh).

او در مقدمه کتابش داستانی واقعی از سخنرانی فقیه زن در قرون وسطی در قاهره بیان می‌کند که نه تنها یک سخنران مذهبی پیش از نماز جمعه محسوب می‌شد، بلکه یک فقیه (مفتی) بود که به سؤالات فقهی مردم نیز پاسخ می‌داد. این سخنران به نام «مقدیسا» نزد بزرگ‌ترین علمای شهر درس خوانده بود و اساتید وی او را در مجامع عمومی شهر مورد تجلیل قرار می‌دادند. او این داستان را از قرن سیزدهم به عنوان نمونه بیان می‌کند و شبیه چنین داستانی را در زمان معاصر، اقامه نماز جماعت توسط آمنه ودود در مسجد نیویورک در ۲۰۰۵ میلادی معرفی می‌کند. به نظر شیخ، این دیدگاه منبعث از عارف قرن سیزدهم محی‌الدین عربی است که می‌تواند بر نگره‌های کنونی، در موضوع رهبری معنوی زنان، کاملاً تاثیرگذار است.

او در پی معرفی عرفان اسلامی به عنوان منبعی از شناخت‌های جایگزین جنسیت است که با عدالت جنسیتی قرآن نزدیک‌ترند و با پردازش‌های انسان‌شناختی خود راه را برای

بازنگری‌هایی در احکام حقوق اسلامی پدید می‌آورند. نقطه تمرکز شیخ در این رهیافت، محی‌الدین عربی است. در دیدگاه شیخ، مهم‌ترین راه یافتن قانون‌های الهی، جست‌وجوی فهم رابطه خدا با انسان است که خود مستلزم شناخت خداوند و ماهیت انسان و هدف او است. صوفیه در طی قرن‌ها روش‌های مفصلی را برای فهم انسان و جامعه و تحقق تسلیم انسان در برابر خداوند فراهم کرده است. برخی از اصول عرفانی اجازه بازاندیشی پیش‌فرض‌های موجود درباره زن و مرد و ماهیت آن‌ها را می‌دهند و از این رو، امکان رهیافتی مؤمنانه به مسائل جنسیتی در دایره شناخت اسلامی، فراهم می‌کند. از آنجا که احکام اسلامی همیشه مبتنی بر برداشتهای خاصی از ماهیت و ذات انسانی و جنسیت‌مند بودن آن است، روایت‌های صوفیانه و انسان‌شناسی آن می‌تواند دلالت‌های ژرفی برای بازنگری داشته باشد (Shaikh, 1997: 67). شیخ می‌خواهد با بحث روان‌شناسی صوفیانه و روایت‌های صوفیان، تعریف جنسیت در تفکر مسلمانان را بررسی کند. شیخ می‌گوید هستی‌شناسی ابن‌عربی، بینشی ارائه می‌دهد که به روشنی با جنسیت پیوند برقرار می‌کند و مفهوم تازه‌ای را برای برابری از نظر اجتماعی فراهم می‌آورد. این رویکردهای صوفیانه منبعی نظری و روش‌شناختی در اختیار می‌گذارد که برای مسلمانانی که می‌خواهند پارادایم جنسیتی غالب در اسلام را دگرگون سازند، بسیار یاری‌دهنده است (Shaikh, 2009: 18).

۲- مروری بر کتاب سعدیه شیخ

سعدیه شیخ در روایت‌های صوفیانه از صمیمیت، ابن‌عربی، جنسیت و گرایش جنسی می‌گوید که به دقت تمام آثار ابن‌عربی را در موضوع جنسیت مورد بررسی قرار داده است. نتیجه خوانش انتقادی شیخ این است که نوعی کشمکش میان قواعد پدرسالارانه و تحریک‌های برابری‌طلبی جنسیتی در آثار ابن‌عربی نمایان است. این کشمکش‌ها، از ارزش دیدگاه‌های جنسیتی او در مورد زنان نمی‌کاهد، بلکه باید دریافت که تا چه حد امکان دارد دیدگاه‌های برابری‌طلبانه‌اش در زندگی روزانه‌اش با زنان تسری بیابد. بنابراین شیخ برای کشف این امر، به نوشته‌ها و آثار او از جمله روح‌القدس، الدرر الفاخره، دیوان، الفتوحات المکیه و ترجمان‌الأشواق رجوع کرده است (Ibid: 19-22).

کتاب «روایت‌های صوفیانه از صمیمیت، ابن‌عربی، جنسیت و گرایش جنسی»، از یک مقدمه و هفت فصل تشکیل شده است: شیخ در مقدمه‌ای با عنوان «تصوّرات جنسیتی مسلمان»، تأکید

می‌کند که عرفای قرن سیزدهم با نگاهی متفاوت با دوران کنونی، زنان را به‌عنوان سرپرست عرفانی جامعه می‌انگاشتند. در حقیقت، ابن عربی از نظر هستی‌شناسی، ظرفیت زن و مرد را برای رسیدن به تکامل روحی برابر می‌داند. وی در جوانی تصوّرات رمزگونه‌ای از خداوند را تجربه کرد و برای تحصیل به شهر آندلس رفت. در مقطعی از تحصیلش، با دو خانم قدیسه به نام‌های فاطمه و یاسمین درس می‌خواند که هر دوی آن‌ها در پیشرفت‌های عرفانی و روحی او مؤثر بودند. وی تا ۱۱۹۸ هجری، به شمال آفریقا و اسپانیا مسافرت کرد و تجربیات معنوی داشت که اساس بسیاری از نگاشته‌های او است. در ۱۲۰۱ هجری، در مسافرت نخستش به مکه، *الفتوحات المکیه* را نوشت. در همان سفر، با خانمی به نام نظام آشنا شد که برای ابن عربی تجسم زیبایی معنوی بود. وی در دمشق الفتوحات را کامل کرد که دایره‌المعارف دانش و بینش باطنی است و نگارش آن نزدیک سی سال به طول انجامید (Shaikh, ۲۰۱۲: ۴).

شیخ می‌افزاید که تمرکز من بر روی آثار صوفی معروف ابن عربی نیز به این دلیل است که برخی از روایت‌های به‌شدت برابری‌طلبانه در آثارش دیده می‌شود که گفتمان‌های اسلامی سنتی و مردسالارانه را به چالش می‌کشد. وی در آثار ابن عربی، دو دیدگاه کاملاً متضاد را مطرح می‌کند. یکی، دیدگاهی زن‌ستیزانه و دوم، دیدگاهی برابری‌طلبانه است. شیخ با توجیه‌هایی درصدد است تا نگرش منفی نسبت به زنان را در آثار ابن عربی تحلیل کند و معتقد است این نوع نگاه برگرفته از جو فرهنگی-اجتماعی رایج همان زمان است. وی برای قوّت بخشیدن به نگرش برابری‌طلبانه در مورد زنان، نمونه‌های عملی مختلفی در حوزه تدریس، تعلیم، هم‌سفر شدن و فقاقت را از زنان عالم و متعلم در زمان ابن عربی می‌آورد که دیدگاه غالب ابن عربی را در این موضوع تبیین و تثبیت نماید و آن را به‌عنوان نمونه‌های کاربردی و قابل اجرا در زمان معاصر به همگان توصیه کند. هر چند می‌توان نتیجه گرفت این رفتارها و کنش‌های عملی زنان صوفی نیز در همان زمان، منبعث از جوّ رایج فرهنگی و اجتماعی همان دوران است. منظور همان حضور پررنگ اجتماعی زنان در عرصه‌های فرهنگی و مذهبی جامعه است و نمی‌توان آن را با دیدگاه روشنفکرانه و آزاداندیشانه ابن عربی مرتبط دانست؛ ولی شیخ می‌خواهد از قابلیت‌های سیاسی و اجتماعی موجود در صوفیه در جهت پیشبرد اهداف فمینیسم استفاده کند.

۱-۲. فصل اول: اشتیاق به کمال، تصوّف، فردیت و جنسیت قبل از ابن عربی

شیخ سعی می‌کند سنت ترکیبی که هم روایت‌های برابری‌طلبانه و هم روایت‌های

مردسالارانه را در خود دارد، کشف و بررسی کند. او در کتابش از روش هرمنوتیکِ فمینیستی استفاده می‌کند که با «هرمنوتیک بدگمانی»^۱ شروع می‌شود. این هرمنوتیک، اساس مردسالاری را در متون، تحلیل می‌کند و تفسیر مقبول و رایج از «حقیقت» را بی‌ثبات می‌کند. هرمنوتیک بدگمانی ما را قادر می‌سازد تا بفهمیم مردسالاری در طول تاریخ، چگونه به وجود آمده و چگونه مردسالاری، دعوت برابری طلبانه اسلام را مورد هجوم قرار داده است. پس از رویکرد هرمنوتیک بدگمانی و یافتن ریشه‌های مردسالاری، نوبت به کاربرد «هرمنوتیک بازسازی»^۲ می‌شود که از روایت‌های تساوی طلبانه جنسیتی در متن پرده برمی‌دارد. شیخ از تصاویر زنان در متون و مدارک مردم‌محور گذشته پرده برداری کرده است، با این هدف که مجدداً سکوت زنان و در حاشیه ماندن آن‌ها را مورد توجه قرار دهد و تصویر قدرتمند زنان را دوباره بازیابی کند. یکی از راه‌هایی که می‌توان به ایده‌آل‌های برابری طلبانه دست یافت، استفاده از مدل زنان دوره ابن عربی است. تمرکز شیخ بر آثار ابن عربی نیز به این دلیل است که برخی از روایت‌های به‌شدت برابری طلبانه در آثارش دیده می‌شود که گفتمان‌های اسلامی سنتی و مردسالارانه را به‌شدت به چالش می‌کشد. هر چند وی در تلاش است تا مدل‌های برابری طلبانه‌ای را ارائه کند و آن‌ها را برای زمان معاصر، دارای قابلیت اجرایی و کاربردی معرفی نماید. او برای ارائه مدل‌ها باید بخشی از نگرش‌های صوفیان در موضوع ارتباط خدا و انسان و انسان‌ها با یکدیگر را تشریح نماید.

هدف در سیر صوفیانه، عمق بخشی به ارتباط انسان با خدا است. در این مسیر، فرد باید موانع روحی خویش را از میان بردارد. یکی از دلایلی که در رویکردهای صوفیانه با برداشت‌های جنسیتی کمتری مواجه هستیم، این است که ویژگی‌های روحی فرد تنها با افکار و رفتار وی تنیده شده و به جنسیت ارتباطی ندارد. مؤلفه‌های مهم در رویکردهای صوفیانه شامل سه مؤلفه نفس، قلب و روح می‌شود که در قرآن نیز به آن‌ها اشاره شده است. نفس، خودآگاهی فرد از خود است که به حالات روحی او باز می‌گردد و جهاد اکبر همان مبارزه با نفس اماره است. روح همان ماهیت مقابل نفس است که از طرف خداوند در همه انسان‌ها دمیده شده است. در قلب انسان، روح و نفس در جدال هستند تا یکی بر دیگری برتری یابد. بخش سوم که قلب است مرکز دریافت‌های روحانی در نگرش صوفیان به شمار می‌آید. در ادبیات صوفیان جنس

۱- hermeneutic of suspicion.

۲- hermeneutics of reconstruction.

زن و مرد، برای بیان حالت‌های مختلف انسان در مسیر پیوستن به قرب الهی به کار می‌رود؛ برای مثال، برخی صوفیان، ریاضت‌های روحی را «حالتی مردانه» لقب می‌دهند و برخی حالت روحی دریافت‌کنندگی معنوی را «حالتی زنانه» خطاب می‌کنند. بنابراین این واژگان، هر چند بار زنانگی و مردانگی دارند، ولی در مسیر کشف حقیقت برای زن یا مرد فرقی نمی‌کند و هر دو می‌توانند حالتی دریافت‌کننده یا مبارزه‌کننده برای رسیدن به هدف قرب الهی داشته باشند (Ibid: ۳۷-۳۸).

شیخ در مسیر شرح و تبیین نگرش‌های صوفیان در موضوع جنسیت، در تلاش است تا هر کجا عبارات و دریافت‌های منبعث از آن‌ها با روح برابری‌طلبی در تضاد است را توجیه کند یا شرحی مناسب و درخور هدف خویش دهد تا در نهایت بتواند به طور کامل قابلیت‌های نگرش صوفیان را برای ساخت الگویی برابر از رابطه زن و مرد عنوان نماید. او در آثار ابن عربی در جست‌وجوی نمونه‌های کاربردی از زنان موفق صوفی است؛ مانند زنانی که به واسطه مبارزه بهتر با نفس اماره خویش، ارتقای روحی بالاتری نسبت به مردان پیدا کرده‌اند، هر چند اهمیت این موضوع زمانی محقق می‌شود که شیخ، چنین زنان موفق و ارتقایافته‌ای را رهبر مذهبی جمعی از زنان و مردان صوفی در همان دوره معرفی می‌نماید.

۲-۲. فصل دوم: ترسیم انسان‌شناسی ابن عربی

از مهم‌ترین آموزه‌های عرفانی در دیدگاه ابن عربی، شناخت و تعریف او از انسان و رابطه انسان با خداوند و اهمیت ظهور صفات الهی در انسان است. شیخ در این فصل، سعی دارد تا نظریه انسان کامل ابن عربی را تبیین نماید و این نظریه را به دور از جنسیت برای زن و مرد یکسان معرفی می‌کند.

برای صوفیان، درک خداوند و جهان هستی از اهمیت بالایی برخوردار است. تفکر و تأمل در مورد خداوند و جهان هستی به انسان کمک می‌کند تا انسان‌شناسی اسلامی را به‌علاوه مفاهیم عمیق جنسیتی درک کند. هدفی که ابن عربی در سفر معنوی دنبال می‌کند، توجه به وظیفه‌ای است که هر انسانی دارد و آن، تغییر خویشتن و بازگشت به سمت خدا است. در دیدگاه او خداوند دو بُعد دارد، بُعدی که برای ابد همچون گنجی مخفی است که بشر به آن دست نمی‌یابد و بُعد دیگر خداوند را می‌توان به واسطه القاب الهی او شناخت. ابن عربی معتقد است که صفات الهی در همه موجودات، وجود دارد. این صفات در میزان،

حجم و پراکندگی متفاوت هستند (یعنی در هر موجودی به طور مساوی وجود ندارد). صفات الهی، سلسله مراتبی را تشکیل داده‌اند که نظام عالم وجود را تشکیل می‌دهد. هر صفت الهی برای خودش مکانی برای بروز و ظهور می‌یابد. ابن عربی عالم را دارای دو جزء می‌داند، عالم بزرگ که هستی است و عالم کوچک که اشاره به وجود انسان دارد. بروز و ظهور صفات الهی در عالم بزرگ، به طور کامل و جامع رخ نمی‌دهد، این بروز و ظهور می‌بایست اصول متحدی داشته باشد تا بتواند عناصر متنوع صفات الهی را به کلیتی هماهنگ و قابل درک تبدیل نماید. در حقیقت از نگاه او، فقط انسان یا همان عالم کوچک است که قابلیت لازم را دارد که مجموعه متنوع صفات الهی را به کلیتی قابل فهم در وجود خود تبدیل نماید. اصطلاح «انسان کامل» به همه انسان‌ها خطاب نمی‌شود، بلکه منظور اشاره به قابلیت و توانمندی بالقوه انسان در رسیدن به آن است. پس انسان کامل تمام صفات متناقض را در وجود خود جمع کرده است؛ به همین دلیل ابن عربی انسان را عالم صغیر می‌خواند (Ibid: ۶۹). در دیدگاه ابن عربی، حضرت محمد^(ص) نقش مهمی ایفا کرده و برخی تعالیم اصلی خودش را در موضوعات ماهیت جنسیت، مرد، زن در فصل «محمد» الفصوص آورده است. از نظر ابن عربی و سایر صوفیان، شخصیت حضرت محمد^(ص) در شکل دهی ساختارهای ذهنی و فکری آنان و برداشت ایشان از هستی، خدا و انسانیت نقش مهمی داشته است (Ibid: ۷۵).

در رویکرد صوفیانه، انسانیت به خداوند به واسطه اسمای الهی پیوند خورده و شدت این ارتباط، این رابطه را منحصر به فرد کرده است. به میزانی که انسان این اسمای الهی را در خود تجسم کند، به سمت «انسان کامل شدن» پیش می‌رود. ابن عربی اسمای الهی را هم رابط و هم واسطه میان الوهیت و انسان می‌داند. در حقیقت، از نگاه ابن عربی سالک چیزی جز اسمای الهی نیست. در آیه قرآنی که می‌فرماید: «انتم الفقراء الی الله» (فاطر: ۱۵)، او معتقد است که حالت فقر فقط با آراسته شدن به اسمای الهی رفع می‌شود. اسمای الهی، ماهیت و هدف هستی انسان را تعریف می‌کند و معنای واقعی هویت انسانی را شکل می‌دهند. از طریق تجلی اسمای الهی در انسان که موجب تصفیه روح انسانی می‌شود، انسان سفر بازگشت را از کثرت به وحدت می‌پیماید و انسان کامل پدید می‌آید (رک: Shaikh, ۲۰۱۲: ۷۶؛ ابن عربی، ۱۳۸۵، ۱۰: ۷۶۴).

از منظر شیخ، صفات جمال خداوند که در انسان تجلی یافته است، باید در بافت اجتماعی بروز کند. وقتی تغییرات روحانی و معنوی در شخصیت انسان رخ می‌دهد که تعاملات

اجتماعی وی بر پایه عشق، محبت و رحمت با دیگران شکل گیرد. از نظر ابن عربی، تجسم صفات جمال خداوند چون رحمت، محبت و عشق در اولویت است. این صفات که شباهتی میان خدا و مخلوق است، زمینه تبدیل شدن به انسان کامل را فراهم می‌آورد. ابن عربی تأکید می‌کند که بسیاری از صفات جلال الهی به قلمرو غیرقابل قیاس خداوند مربوط است که انسان حق ادعای آن‌ها را ندارد. در برابر آن صفات جلال، انسان باید موقعیتی پذیرنده داشته باشد و بندگی خود را نشان دهد. اگر ادعای دریافت و بروز صفات جلال خداوند را نماید، همچون شیطان، در برابر خداوند می‌ایستد و از اطاعت سرباز می‌زند. شیخ معتقد است که انسان کامل، استانداردی فراجنسیتی برای تجلی انسانیت است و مطالبات برابری را برای زن و مرد ایجاد می‌کند. ابن عربی با استناد به آیه ۳۳ سوره احزاب که هم زنان و هم مردان را مورد خطاب قرار می‌دهد، به این نتیجه دست یافته است که مسیر معنوی تصفیه و پاکسازی روحانی برای زن و مرد، کاملاً مساوی است و در آموزه‌های بنیادین اسلامی، رویکردی برابری طلب ارائه شده است (Shaikh, ۲۰۱۲: ۸۱).

از منظر شیخ مطابق روایت‌های صوفیانه که حالات روحانی افراد، معیار اصلی ارزش‌های انسانی او است و به طور کامل هم با دیدگاه قرآنی موافق است، توجه به تمایزات جنسیتی و بیولوژیکی انسان، او را از هدف آراستگی به محاسن معنوی باز می‌دارد. ابن عربی چنین دیدگاهی را از خوانش قرآن کسب کرده است. چنین دیدگاه‌های نغزی، امکان نقدی اصیل از جامعه مردسالار فراهم می‌آورد؛ بنابراین به واسطه بهره‌گیری از رویکردهای صوفیانه، می‌توان شرایط را برای برابر ساختن همه انسان‌ها در همه عرصه‌های مختلف زندگی فراهم آورد (Ibid: ۸۴).

شیخ با استناد به دیدگاه انسان کامل و تجلی صفات الهی در انسان، تلاش کرده است تا ربطی منطقی میان تجلیات صفات الهی در انسان کامل و بروز آن تجلیات در اجتماع پیدا کند. او معتقد است که وقتی انسان اعم از زن یا مرد، محل اکمل تجلی صفات الهی در درون خود می‌شود، می‌تواند با اجتماع نیز روابطی دوستانه و توأم با عشق پیدا کند، همچون رحمت واسطه الهی که برای همگان در جامعه بروز و ظهور دارد. او منطق انسان کامل را به دور از مردسالاری، برای زن و مرد معرفی می‌کند و بارها سعی کرده است تا از صوفیان مرّبی و فقیه در قرن سیزدهم مثال‌هایی بیاورد، البته این رویکرد با مدل قرآنی و معنوی تقوا و نزدیکی به خداوند برای زن و مرد تفاوتی نمی‌کند و آنچه محل اختلاف است، به طور عمده تجلی

بیرونی وظایف اجتماعی و حوزه مسئولیت‌های فردی هر دو جنس در اجتماع است، ضمن آن که اگر محدودیتی برای حضور زنان در مناصب بالای اجتماعی نباشد، از نظر فقهی نیز منعی برای ارتقای زنان در مناصب سیاسی و اجتماعی جز موارد معدود وجود ندارد.

۳-۲. فصل سوم: عرفان و جنسیت، هرمنوتیک تجربه

او در این فصل از اصطلاحی به نام هرمنوتیک تجربه نام می‌برد که می‌توان چنین معنا کرد که با توجه به تجارب زندگی روزمره ابن‌عربی می‌شود برخی عبارات به‌شدت جنسیتی را در آثارش معنا و یا به‌گونه‌ای توجیه کرد. او اذعان می‌کند که استعارات و عبارات جنسیتی در کتاب‌های ابن‌عربی مشهود است که با سایر دیدگاه‌هایش به‌شدت مغایرت دارد. جامعه پیشامدرن در قرون وسطی هنجارهای جنسیتی شدیدی را برای زنان اعمال می‌کرده است که شیخ این تعابیر جنسیتی را متأثر آن بافت موجود می‌داند. اما چگونه می‌شود که چنین عبارات زن‌ستیزانه‌ای، زمینه بروز آزادی اجتماعی و معنوی زنان در همه عرصه‌ها شود؟ شیخ گاهی از خوانندگان آثار او می‌خواهد قابلیت‌های درک و شرح خود را بالا برده و این عبارات را با توجه به تعابیر مثبت او در حوزه زنان، معنا و دریافت نمایند. به نظر می‌رسد همان‌گونه که شیخ بنا را بر عبارات مثبت به نفع زنان گذاشته و سایر عبارات را با توجه به آن‌ها معنا می‌کند، فرد دیگری نیز می‌تواند بنای تفسیر و تعبیر را بر اساس عبارات منفی و زن‌ستیزانه ابن‌عربی گذارد!

زندگی ابن‌عربی مملو از حضور گسترده زنان است، زنان هم در خانواده و هم در گردهمایی‌های اجتماعی و مذهبی او بسیار مشهود و قابل توجه بوده است. با توجه به هنجارهای اجتماعی پیشامدرن، زنان از مردان در اجتماع جدا از هم بوده‌اند، اما بهره‌گیری معنوی از معلمان صوفی زن فراوان بوده است (Ibid: ۹۶).

دیدگاه‌های وی برداشتی از دریافت‌های عرفانی وی و پیروی از سیره پیامبر^(ص) است. او ابراز مهر، محبت و عدالت محوری درباره زنان را از جمله وظایف الهی برمی‌شمرد که خداوند بر دوش مردان قرار داده است و در واقع سنت رسول خدا است. ابن‌عربی به واقع، ارتباطی میان عشق و عدالت برقرار کرده است. به طور خاص، این روایت‌ها از زندگی ابن‌عربی، در حقیقت ماهیت ابعاد فردی و عرفانی تجربه انسانی وی را منعکس می‌کند. او همچون کسی است که روش زندگی پیامبر^(ص) را در زندگی پیاده می‌کند و راه تصفیه‌سازی معنوی و زندگی روحانی را به انسان‌های دیگر نشان می‌دهد (Ibid: ۹۸).

وقتی ابن عربی جوان تر بود برای دانش اندوختن به شهرهای مختلفی مانند اندلس سفر می کرد. در آن زمانها بود که وی تجربیات عرفانی فراوانی در مورد خدا به دست آورد. او در آن دوران، شاگرد دو زن قدیس با نامهای فاطمه بنت ابن مثنی و یاسمین امّ الفقراء بود. یاسمین، استاد هشتاد ساله ابن عربی، همواره حالات روحی اش را از سایرین مخفی می کرد، ولی برای شاگردش ابن عربی که دارای ظرفیتی منحصر به فرد بود، قضیه فرق داشت. ابن عربی در مورد او می گفت: «در میان انسانها کسی چون او ندیدم، ایشان بر روح خویش کنترل فراوانی دارد، شمس از نظر ارتباط با خداوند و برترین و بهترینها است. او قلب خالصی دارد، قدرت معنوی برتری دارد و از نظر حسّ ششم فوق العاده است، از خداوند می ترسد و چنین انسانی نادر است» (Shaikh, ۲۰۱۲: ۱۰۰؛ رک: ابن عربی، ۱۳۸۵، ۹: ۷۱۴) ابن عربی می نویسد: «وحی بر شمس نازل می شد و من از او عجایب بی شماری دیدم.» او شاگرد ممتاز درسهای شمس بود، شمس برای اطرافیان صوفی خود استادی ممتاز و الگویی تمام عیار بود. ابن عربی دو سال هم نزد فاطمه شاگردی کرد. ابن عربی فاطمه را همچون مادر معنوی خود می دانست. ابن عربی فاطمه را رحمتی از جانب خدا برای جهان می دانست که تأثیرگذاری روحانی اش، بسیار زیاد است. ابن عربی نه تنها معلّمان خویش را ستایش می کرد، بلکه از هم گروهیهای خود نیز تقدیر می نمود؛ مثل روح القدس که دختر قاسم الدوله بود و ابن عربی از قدرت روحی بالایش سخن می گفت که می تواند با کوهها و درختان سخن گوید و مسافتهای طولانی را با سرعت بپیماید؛ چرا که حالت معنوی قوی داشت و مسیر صوفیان را با دقت طی می کرد. روح القدس دائم الصوم بود و شبها را به عبادت می گذراند. ابن عربی، زن صوفی دیگری هم به نام زینب الغالیة در مکه ملاقات کرده است. اگر چه زینب دارای ثروت و زیبایی بود، ولی از دنیا چشم پوشی کرده بود. از نظر ابن عربی، او بهترین و باهوش ترین فرد زمانه اش بود. زینب با ابن عربی از مکه تا اورشلیم، هم سفر بود. ابن عربی می گوید فردی را تا کنون چون زینب، سخت گیرتر به وقت نماز ندیده بودم (Shaikh, ۲۰۱۲: ۱۰۰-۱۰۱).

او زنان را دارای قابلیت معنوی برابر با مردان می دانست و همین نگاه او به قوانین و هنجارهای اجتماعی جنسیتی او موجب شد تا زنان در زندگی اجتماعی او حضوری پررنگ داشته باشند. مفهوم جنسیت از نظر ابن عربی، بخشی از شبکه پیچیده درک معنوی است که در آن هر فهمی از آن شبکه بر دیگران اثری متفاوت خواهد داشت. به طور خاص، تعلیم ابن عربی در موضوع جنسیت، به ادراک او از ماهیت انسان و پارادایم درک معنوی وی مرتبط است (Ibid: ۱۱۰).

شیخ پایه و بنیان درک نگاه ابن عربی را در درک صحیح تعالیم انسان‌شناسانه او و معنای جهان هستی خلاصه می‌کند و تجربیات فراوان او را در رابطه با حضور زنان در زندگی‌اش، تجلی رشد زنان در آن عصر و مفاهیم برابری طلبانه معرفی می‌نماید. هر چند باید اذعان کرد که مفاهیم دوران معاصر در موضوع زنان، در دوران پیشامدرن اصلاً مطرح نبوده است و نمی‌توان تمام آن ساختار فکری را در دوران کنونی با همان شیوه در دوران معاصر نیز پیاده‌سازی کرد، اما شیخ در صدد است تا آن مفاهیم و الگوها را با ساختارهای کنونی همسان‌سازی کرده و آن‌ها را برای ارتقای اجتماعی و سیاسی زنان مورد استفاده قرار دهد.

۴-۲. فصل چهارم: خوانش جنسیت و استعاره در دنیای ابن عربی

ابن عربی در مورد ماهیت انسان، تعریف جالبی ارائه می‌کند، برای این که انسان به وجود آید، باید روح فعال مردانه با بدن پذیرنده زنانه در هم آمیزد؛ یعنی انسان از اتحاد جنسیتی بین روح و بدن بروز پیدا می‌کند. با این تعریف سمبلیک، هر انسانی، زن یا مرد، هم از ابعاد مردانه و هم زنانه تشکیل شده است؛ پس پدرها به طور سمبلیک، «روح» و مادرها به طور سمبلیک، «بدن» و پذیرنده روح هستند. با این واژگان جنسیتی، بر طبق نظر ابن عربی، خداوند تنها «پدر» است و تمام مخلوقات که شامل عناصر مردانه هستند، «مادر» هستند؛ چرا که خداوند روح رحمت و حیات را به همه موجودات ارزانی داشته است. او عبارات جنسیتی، به صورت استعاره‌ای را به کار برده است؛ به صورتی که ابعاد مختلفی از واقعیت را مشخص می‌کند. تصویر ابن عربی از انسان کامل که تمام صفات الهی را در خود بروز داده، یکپارچگی میان روح و بدن را اثبات می‌کند (Ibid: ۱۳۲). ابن عربی حتی کلیت انسان را تنها در بدن ندانسته، بلکه در احساسات انسانی هم می‌بیند. پس او احساسات را حالتی زنانه و غیرمنطقی نمی‌داند، آن را حقیقتی عقلانی معرفی می‌کند که برای تکامل انسان ضروری است (همان: ۱۳۵). در انسان‌شناسی معنوی ابن عربی، انسان چه مرد و چه زن، به طور هماهنگ، قلمروهای معنوی، جسمی، احساسی و روحی را در بر می‌گیرد و امکان بروز انسان الهی را دارا است. رویکرد جامع به انسان از نگاه ابن عربی، انسان‌شناسی دودویی را به چالش می‌کشد که خصلت‌های مردانه دارای برتری هستند، انسان‌شناسی دودویی انسان دارای سلسله مراتبی می‌داند و به بخش‌های مجزایی تقسیم می‌شود، به طوری که بدن و احساسات تنزل یافته می‌یابد و ابعاد زنانه داشتن، غیرمنطقی توصیف می‌شود. در این دیدگاه، روح و ذهن مردانه تلقی می‌شوند

که قلمروی بالا دارند و اصولاً با فضای زنانه سطح پایین در تضاد است (Ibid: ۱۳۶). ابن عربی برای شرح توحید، به متعالی بودن خداوند و مبراً بودن وجود خدا از زن یا مرد بودن، اشاره می‌کند. در دیدگاه او، زن و مرد، همزمان گیرنده و فعال هستند؛ مثل مردانگی و زنانگی که در سطوح مختلفی از واقعیت، اساس تفاوت جنسیتی را می‌سازند. سرانجام، در این چارچوب، همه چیز در رابطه پذیرندگی از خدا هستند، خدایی که واحد است و حقیقت نهایی است. همه مخلوقات تا حدی واقعی هستند، هستی خود را از خدا قرض می‌گیرند. اگر خدا تنها مرد باشد، بنابراین همه مخلوقات زن هستند؛ ولی به‌طور همزمان، وجود الهی به همه مخلوقات، هستی می‌دهد. همه مخلوقات و جهان هستی جفت آفریده شدند و رابطه آنان بر اساس سلسله مراتبی تعریف نمی‌شود (Ibid: ۱۲۱).

شیخ برای توضیح هنجارهای مردسالارانه در آثار ابن عربی به «زبان» نیز اشاره می‌کند. زبان سیستم فرهنگی هر زمانی را بازنشر می‌دهد و بر اندیشه افراد نیز اثر می‌گذارد، زبان رایج و غالب همان دوره نیز گاهی ابن عربی را در هنجارهای فکری خویش غرق کرده و عباراتی مردسالارانه در آثارش یافت می‌شود. ابن عربی گاهی از حال دیالکتیکی هم برای غلبه بر محدودیت‌های موجود استفاده می‌کند؛ یعنی سعی می‌کند از یک طرف دیدگاهش را از الگوهای سنتی جنسیتی رایج زمان خود فراتر ببرد و از طرف دیگر، نشانه‌هایی از هنجارهای جنسیتی را نیز به کار برد. به هر حال شیخ سعی کرده است تا با کاربست نظریات مختلف، به نوعی توجهی درخور برای عبارات جنسیتی سنتی در متون او بیابد و در این راستا بر غنای تفکرات فمینیسم و صوفیه بیفزاید.

۵-۲. فصل پنجم: روایت‌های قرآنی آفرینش آدم و حوا

دانشمندان معاصر فمینیست از عناصر برابری طلبانه‌ای که در متن قرآن در داستان خلقت زن و مرد وجود دارد، استقبال می‌کنند و این که هر دو از یک «نفس» آفریده شده و هیچ یک بر دیگری تقدم و تأخر زمانی در آفرینش ندارند (Ibid: ۱۴۲). آن‌ها معتقدند که مفسران پیشامدرن و گفتمان‌های تفسیری از هنجارهای فرهنگی، فولکور و ژانر داستان‌های پیامبران (قصص الانبیاء) و ادبیات احادیث برداشت‌هایی کرده‌اند که همه این‌ها منابع مسیحی و یهودی (اسرائیلیات) داشته‌اند (Ibid: ۱۴۵).

در تحلیل شیخ از روایت‌های ابن عربی، می‌توان گفت ابن عربی برای خوانندگان آثارش،

مقولات جهانی در باب انسانیت و تساوی زن و مرد در اکتساب مراحل معنوی و روحی را عنوان می‌کند و حتی برتری زنان بر مردان را به روش‌هایی که در آن زنان، بارقه‌های الهی را قدرتمندتر و منحصر به فردتر نشان می‌دهند، پیشنهاد می‌کند. او با اصول انسان‌شناسانه قرآنی سعی می‌کند روابط جنسیت را شرح دهد (Ibid: ۱۵۱).

ابن عربی انسان را روح دمیده‌شده در کالبد هستی می‌داند، بنابراین انسانیت برای هستی، حیاتی و ضروری است. هستی هم تمام صفات الهی را منعکس می‌کند و بر عملکرد انسان و واقعیت درونی‌اش ظهور و بروز دارد. پس با این دیدگاه، هستی و انسان، برای یکدیگر ضروری و لازم و ملزوم‌اند و هر کدام بخشی از تکامل یکدیگر هستند. به‌طور هم‌زمان، هر کدام به‌طور مجزا دارای جهانی درون خویش هستند، آینه‌کاملی که صفات الهی را نمایش می‌دهند، ولی هر کدام به شیوه خود این کار را انجام می‌دهند. پس به این ترتیب، زن و مرد هر دو قابلیت بروز و ظهور اسمای الهی را دارند؛ به همین دلیل، واژه انسان کامل برای زن و مرد به‌طور مساوی بدون کوچک‌ترین تفاوتی برای هر دو به کار می‌رود (Ibid: ۱۵۶).

هرچند گاهی در عبارات و برداشت‌های ابن عربی در داستان خلقت، فضا برای عاملیت مردان پررنگ‌تر است، اما باید اذعان کرد که وی توانسته است بر برخی کلیشه‌های رایج زمانه خود فائق آید. آثار ابن عربی تصویری از زن و جنسیت ارائه کرده است که کاملاً با تفسیر اجداد سلف و مفسران پیشین متمایز است که به‌طور عمده در روایت‌های خلقت، نگرش‌های زن‌ستیزی مشهود بود (Ibid: ۱۵۰).

۶-۲. فصل ششم: مشاهده ذات الهی در زنان

از منظر ابن عربی، خداوند موجودات را به واسطه رحمت خویش می‌آفریند و این صفت الهی رحمت در زنان بروز و ظهور یافته است. ابن عربی می‌گوید که زنان در مرکز پذیرندگی قرار دارند، همان‌طور که ماهیت انسان از زنان به وجود می‌آید و ماهیت واقعیت چیزی جز نسیم رحمت و محبت نیست. زنان در مرکز «نفس الرحمن» یا همان نسیم رحمت الهی ایستاده‌اند که انسان‌ها را به دنیا می‌آورند. زنان با انعکاس نفس الرحمن، عامل تولد انسان‌ها هستند. این‌جا است که عاملیت زنان در ارتباط با کامل‌ترین صفت الهی، معنا می‌یابد. ابن عربی زنان را مظهر خلقت خداوند می‌داند. او بر روایاتی تأکید دارد که زنان، صفاتی الهی از خدا را دارند، به‌گونه‌ای از مردان قدرتمندتر است. قیاسی میان ماهیت خداوند با ماهیت زنانه و

شبهت میان وجود زنان و خداوند در دادن رحمت و محبت به دیگران، این ادعا را ثابت می‌کند که خداوند بیشتر در زنان مشاهده می‌شود (Ibid: ۱۷۴).
آفریندگی و خلقت که از خصلتهای الهی است و برگرفته از رحمت واسعه خداوند است، در زنان به واسطه مادر شدن تجلی یافته است. این صفت الهی که خصلتش بخشندگی، رحمت و محبت به دیگران است، در زنان وجود دارد.

۲-۷. فصل هفتم: ابن عربی و زن‌گرایی اسلامی

ارتقای روحی و معنوی در تمام سطوح منحصر به جنسیت خاصی نیست. گاهی برخی متفکران، تجلی صفات جمال و جلال الهی را در دو جنس زن و مرد متفاوت تلقی می‌کنند؛ بدین گونه که تجلی صفات جمال را در زنان و تجلی صفات جلال را در مردان می‌دانند. این تفکیک، منجر به پذیرش تفاوت در نقش‌های اجتماعی و به تبع آن، برتری مردان خواهد شد. این رویکرد با دیدگاه ابن عربی در تجلی صفات الهی برای زن و مرد، متفاوت است. این تفاوت دیدگاه صوفیه منجر به کاربرست نظریات آن در زن‌گرایی اسلامی شده است.

زن‌گرایان بسیاری به مردسالاری، انتقادهای اساسی دارند، چه مردسالاری مذهبی و چه سکولار باشد و این موضوع را به مسئله حقوق زنان مرتبط می‌کنند. در اسلام، بسیاری از متفکران حقوقی در گفتمان‌های حقوقی وارد شده و نقدهای خود را به نابرابری‌های جنسیت در حوزه حقوق وارد می‌کنند. این اصلاح‌گران زن‌گرا، گفتمان فقه سنتی را در مورد حقوق زنان در جوامع مورد توجه قرار می‌دهند، سپس سعی می‌کنند قوانین حقوقی زنان که در دوران معاصر به سبب تفاسیر قرآن، به حاشیه رانده شده است را بازخوانی نمایند و برای گفتمان برابری زن و مرد مبارزه نمایند تا همان‌طوری که مردان به حقوق خود نایل می‌آیند، زنان نیز بتوانند از همان حقوق مساوی برخوردار باشند (Ibid: ۲۲۲).

شیخ در این کتاب قصد داشته است تا با استعانت از رویکردهای صوفیانه و تعاریف آن‌ها از تصوّف و عرفان، به تعاریف اساسی انسان‌شناسانه قرآنی، دست پیدا کند و اخلاقیات حوزه جنسیت را ارتقا دهد. وی به نقل از ابن عربی تأکید می‌نماید که انسان باید صفات الهی را در خود پیروراند تا قابلیت ارتقا و اصلاح سیستم حقوقی محقق شود. این استنباط به مفسران زن‌مدار این فرصت را می‌دهد تا مفاهیم خود، جامعه و واقعیت و راه‌های درک عمیق ارزش‌ها و اهداف را بهتر بیابند (Ibid: ۲۲۵).

روایت‌های صوفیانه ابن عربی، ماهیت انسان، جامعه و خداوند را مورد خطاب قرار می‌دهد و ساختارهای بنیادین اجتماعی را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و چراها و چگونگی‌هایی را درباره جنسیت مطرح می‌کند که پیگیری چنین پرسش‌هایی ما را به پاسخ‌های متعددی می‌رساند که حاکی از یک پارادایم و الگوی غالب است. در حقیقت، آموزه‌های ابن عربی و صوفیه، چارچوبی فراگیر از سیاست‌گذاری‌ها در حوزه جنسیت را مشخص می‌نماید. از دیدگاه ابن عربی، هدف نهایی حرکت فرد و جامعه به سمت خداوند است. به علاوه، اگر این حرکت با درک ویژه‌ای از خداوند و انسان همراه شود، به طوری که انسان کامل شکل گیرد و صفات الهی در وجود وی بروز و ظهور دهد. بدین ترتیب، در دیدگاه ابن عربی، مفاهیم جدیدی ارائه شده و مسلمانان معاصر را توانمند می‌سازد تا در موضوع جنسیت بازنگری کنند و آن را مجدد در بافت جدیدی که ریشه‌های عمیقی در میراث معنوی اسلامی دارد، به کار گیرند و تغییراتی اساسی در ساختارهای اصلی ایجاد نمایند (Ibid: ۲۲۸).

۳- دلالت‌های اندیشه عرفانی ابن عربی درباره زنان از نظر سعیدیه شیخ

با توجه به بررسی و خوانش روایت‌های صوفیانه از صمیمیت: ابن عربی، جنسیت و گرایش جنسی و مقالات متعدد از شیخ می‌توان دلالت‌های اندیشه عرفانی ابن عربی درباره زنان را از نظر سعیدیه شیخ به موارد زیر تقسیم‌بندی کرد:

۳-۱. برابری دو جنس در تکامل معنوی

در حقیقت شیخ عقیده دارد که ابن عربی از نظر هستی‌شناسی، ظرفیت زن و مرد را برای رسیدن به تکامل روحی برابر می‌داند. بر اساس این برداشت کلی و غیر جنسیتی که اسلام از انسان ارائه کرده است. تمرکز شیخ بر موضوع جنسیت در آثار ابن عربی، منبعث از قابلیت گفتمان‌های صوفیان است که قادر است سؤالاتی در سطوح عمیق‌تر مذهبی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد، البته شیخ ادعا نمی‌کند که عرفان اسلامی، رویکردی یکپارچه و واحد در قبال جنسیت دارد و تنها راه درمان تمام مشکلات زنان مسلمان است؛ زیرا عرفان اسلامی نیز همچون سایر رویکردهای اسلامی گاهی به سمت مردسالاری متمایل می‌شود (Ibid: ۲۲). از نظر شیخ، یکی از مسیرهایی که می‌تواند به برابری طلبی ایده‌آل منتهی شود، استفاده از مدل زنان در دوره ابن عربی است؛ چراکه گفتمان‌های اسلامی سنتی و مردسالارانه را به شدت به

چالش می‌کشد. ابن عربی تعاملات گسترده‌ای با زنان داشت، چه به عنوان معلّمان معنوی‌اش، چه میان خانواده و شاگردانش. اگر چه برخی صوفیان زن، شاگردان صوفیان مرد بودند، ولی این داستان برعکس هم می‌شد که زنان معلّم طریقت صوفیان مرد باشند؛ مثل ربیعۃ الاعداویّه که معلّم صوفی الاطوری مرد بود. صوفیان زن بسیاری هم بودند که به صورت قوی‌تری به تهذیب نفس پرداخته‌اند و در این مسیر موفق‌تر از مردان عمل کرده‌اند. پس همان قدرت برتری که مردان دارند و بهتر می‌توانند در مسیر سیر و سلوک پیش روند، نتوانسته بود آن‌ها را به حقیقت برساند، ولی چون زنان در این راه از خود برتر بینی مبرا بودند، بهتر پیش‌رفته و بهتر تبعیض‌های جنسیتی را به چالش کشیده بودند. در تصوّف، اولویت اصلی به حالات‌های روحی فرد است تا نشانه‌های بیرونی هویتی فرد، چه جنسیت باشد چه چیز دیگر. جهاد برتر بودن جنسیتی، از حیل‌هایی است که نفس اماره برای انسان ایجاد کرده است. برداشت اصلی این است که با نفس اماره برای زن و مرد و برای ارتقای روحی هر دو لازم است. خودبرترینی و ادّعیای شخص در مسیر معنوی هم برای زن هم برای مرد دستورات برابری دارد تا ایشان را به نهایت هدفش برساند. علت این که ابن عربی موضعی برابر از زن و مرد ارائه می‌کند، این است که وی تجربیات متعدّدی از اساتید معنوی زن داشته است. او معلّمان و شاگردان زن فراوانی داشته که بر تعاملات و نگرش او تأثیر داشته است و چنین برداشتی از جنسیت را در صوفیسم بسیار زیاد است (Ibid: ۸۶).

توصیف ابن عربی از انسان کامل، استاندارد جهانی را برای تجسّم معنوی انسان کامل ارائه می‌کند که هسته اصلی انسان‌شناسی مذهبی می‌تواند قرار بگیرد. در این دیدگاه، جنسیت ربطی به پیگیری معنوی برای تصفیه و پاک‌سازی معنوی ندارد، تصور مشهور صوفیان که حالات درونی فرد، معیار اصلی ارزش‌های انسانی اوست. این نظر کاملاً هم با دیدگاه قرآنی موافق است، توجه به تمایزات جنسیتی و بیولوژی انسان، او را از هدف محاسن معنوی باز می‌دارد. ابن عربی چنین دیدگاهی را از خوانش قرآن کسب کرده است که به زن‌گرایی اسلامی هم راهکارهایی روش‌شناختی و الهیاتی می‌دهد (Ibid: ۹۳). وقتی چنین دیدگاه‌های غنی صوفیسم با زن‌گرایی اسلامی ادغام شود، امکان نقدی افراطی و اصیل از جامعه مردسالار فراهم می‌شود. به واسطه تلفیق با دیدگاه‌های صوفیسم، می‌توان شرایط را برای برابر ساختن همه انسان‌ها در همه موارد زندگی فراهم ساخت (Ibid: ۹۴).

۲-۳. اولویت‌بخشی به گفتمان‌های معنوی

سعدیه شیخ تأکید می‌نماید که بی‌عدالتی‌هایی که زنان مسلمان، تحت عنوان دین تجربه کردند، واقعاً برخاسته از دین نبوده است، بلکه تسلط مردسالاری در بافت اجتماعی سبب شده است تا قوانین اساسی با نگاهی مردسالارانه نگاشته شود و همین امر، موجب به حاشیه راندن زنان از مناسبات اجتماعی شده است. بدین ترتیب، رویکردهای مردسالارانه، دعوت برابری طلبانه اسلام را خدشه‌دار کرده است (Ibid: ۷۱).

آنچه باید در مورد ارتباط فلسفه و عرفان گفت این است که هر دو انسان را به واقعیت نهایی متصل می‌کنند، سپس برداشت‌های معرفت‌شناسی مختلف را در اولویت قرار می‌دهند. فلسفه در مدل ارسطوگرایی، اغلب از منطق و دلیل به عنوان ابزار درک طبیعت و جایگاه انسان در واقعیت استفاده می‌کند؛ در حالی که عرفان، تلاش می‌کند سه حقیقت را از طریق ابزارهای روحی و تجربی درک نماید. دانش در فلسفه، شناختی و در عرفان، عرفانی است. ابن عربی بر علیه عقلانیت، استدلال و منطق حرفی نمی‌زند. او معتقد است که عقلانیت هدیه خدا است که به انسان داده شده است تا برای اهداف اخلاقی به کار برند. او می‌گوید عدالت و عقلانیت باید در جایگاه خود قرار بگیرد تا نقش مهم خود را در زندگی انسان بازی کند. منطق می‌تواند متفکر را به دانشی رهنمون کند که بفهمد خداوند از طریق ابزار منطقی قابل شناخت نیست. به همین دلیل، ابن عربی اولویت معرفت‌شناسی خود را بر روی عرفان می‌گذارد نه منطق استنباطی عقلی. ابن عربی بارها بر این عقیده اصرار می‌کرد که علم عرفانی و دریافت‌های معنوی وی در لایه‌های زیرین کتاب خدا است، به همین دلیل نباید به معانی لفظی و اهمیت دادن به شریعت برای رسیدن به معرفت واقعی، اکتفا کرد (Ibid: ۹۶).

از منظر شیخ، با توجه به تعالیم ابن عربی، می‌توان انتقادی هستی‌شناسانه، قدرتمند و بنیادی را از روابط مردسالارانه، هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی انجام داد. این دیدگاه، برای چالش‌های معاصر در موضوع نابرابری جنسیتی که در جوامع مسلمان دیده می‌شود، اهمیت زیادی دارد. مفهوم کلیدی ابن عربی از انسان کامل، درک کلی از غایت انسانیت را نشان می‌دهد. او هماره تکرار می‌کند که انسان کامل، استاندارد جامعی برای تجلی انسانیت است که بدون جنسیت است و تقاضاهای برابری را برای زن و مرد ایجاد می‌کند (Ibid: ۸۱). ابن عربی ۴۹ صفت از آیه ۳۳ سوره احزاب را هم برای زنان و هم برای مردان مثال می‌زند که تمایزی میان این دو نیست. در این آیه، هم زنان و هم مردان را مورد خطاب خداوند

قرار می‌گیرند که مسیر معنوی تصفیه و پاکسازی برای زن و مرد مساوی است. این آیه که هر دو جنس را شامل می‌شود، تعالیم اصلی قرآنی را در موضوع برابری انسان‌شناسی کامل زن و مرد ارائه می‌دهد (Ibid: ۸۲). این نوع خوانش از موضوع، مقولات غالب برتری مردانه را بی‌ثبات می‌کند همچنین به زنان، توانمندی و قابلیت برای مقابله با برتری مردسالارانه در اجرای قوانین و در امور سیاسی و اجتماعی می‌دهد. اگر دیدگاه پویای ابن‌عربی در فقه پذیرفته شود، راه‌هایی برای درک قانون‌گذاری سنتی پیدا می‌شود؛ همچنین روش‌های جدیدی برای شکل‌دهی قانون‌گذاری معاصر نیز به دست می‌آید. کسی که نوشته‌های ابن‌عربی را می‌خواند، می‌فهمد که وی به طور مستقیم قابلیت زنان برای شهادت قضایی را تأیید کرده است؛ همچنین گرفتن بالاترین نقش محوری و مقدس دینی را نیز برای زنان مجاز دانسته است. او ایده عدم جواز تصدی رهبری جامعه توسط زنان را نیز نمی‌پذیرد (Ibid: ۸۴). ابن‌عربی به طور مؤثری فروتری زنان را رد می‌کند؛ چراکه در قلمرو تفکری و معنوی صوفیان، توصیف قابلیت‌عُلُو معنوی زنان، با دیدگاه‌های رایج پیشین کاملاً متفاوت است. در دیدگاه پیشین، زنان از نظر انسان‌شناسی، دارای کمبودهایی بودند که قابلیت تصاحب جایگاه قانونی و اجتماعی را نداشتند. او معتقد است که ارجاع به برخی احادیث که عدم تعادلی در بحث جنسیت در سطح اجتماعی ایجاد می‌کند، می‌تواند درک نادرستی از ماهیت واقعی روحی و قابلیت‌های معنوی انسان ارائه دهد. در حقیقت، خوانش ابن‌عربی از کاربرد برخی احادیث در ممنوعیت رهبری زنان را زیر سؤال می‌برد، کاربرد چنین احادیثی را محدود می‌کند و به صراحت دسترسی زنان به بالاترین مراتب روحی را تأیید می‌نماید.

نتیجه‌گیری

از رهگذر تدقیق در آثار ابن‌عربی می‌توان دریافت که وی نسبت زن و مرد را مانند منزلت طبیعت به امر الهی می‌داند و در وابستگی وجود آن‌ها به یکدیگر تصریح می‌نماید که این وابستگی همان‌گونه است که طبیعت برای امر الهی محل ظهور اعیان اجسام است که در آن تکوین می‌یابند، ظاهر می‌شوند و امر بدون طبیعت و طبیعت بدون امر امکان‌پذیر نیست. ابن‌عربی از باب تشبیه زن به طبیعت، زن را شایق حقوق خاصی می‌داند و با تمسک به احادیث نبوی، زنان را «شقایق الرجال» یا اشتیاق کل به جز قلمداد کرده و شناخت مرتبه وجودی زنان به عنوان جزئی از مردان را شناخت و معرفت مرد به خویش می‌داند که به تبع آن شناخت حق نیز حاصل می‌شود.

از منظر سعدیه شیخ، واقعیات انسان‌شناسانه مطرح در آثار ابن عربی درباره زنان، محدودیت‌ها و کاستی‌های موجود در ساختارهای مردسالارانه را پوشش می‌دهد و ضرورت بازنگری در روابط جنسیتی را هویدا می‌سازد. تلقی ابن عربی از مقوله فراجنسیتی انسان کامل که تلفیقی از صفات جلالی و جمالی الهی است، یک ایده آل جهانی از ماهیت انسانی را ارائه می‌دهد و زن و مرد را در تمامی سطوح و مراتب ارتقای معنوی، برابر معرفی می‌کند. سعدیه شیخ با مقدماتی از جنس پارادایم‌های عرفانی، در صدد اثبات برابری زنان و مردان در تمامی نقش‌هاست.

نکته شایان توجه در نقد دیدگاه شیخ آن است که مطابق دیدگاه اسلامی، متناسب با ابعاد انسانی مشترک میان زن و مرد، حقوق مشترک و از سوی دیگر متناسب با ویژگی‌های روانی و جسمی متفاوت، حقوقی متفاوت برای هر یک وجود دارد. آموزه‌های اسلامی به همسانی هویتی زنان و مردان تصریح می‌کند و رعایت تفاوت در موقعیت‌ها، نقش‌ها و حقوق را لازمه حیات اجتماعی و خانوادگی می‌داند. بر این اساس، ویژگی‌های طبیعی با هدفی خاص و برای تسهیل در دستیابی به اهداف آفرینش در زن و مرد نهاده شده است تا هر یک متناسب با کارکردهای ویژه به استعدادهای خاص مجهز شوند و اهداف خلقت را محقق سازند. بنابراین تمام ویژگی‌های طبیعی که مرد و زن را از هم متمایز می‌کند، معنا دارند و تلاش برای از بین بردن آن‌ها، حرکت برخلاف جهت‌گیری هدفمند آفرینش است.

در اندیشه اسلامی، نظام‌های تکوین، ارزش‌گذاری و قانون‌گذاری به اراده تکوینی و تشریحی خداوند بازمی‌گردد و خالق جهان در پی هدایت انسان‌ها در تمام زمینه‌ها برآمده است؛ از این رو لازم است نظام‌های مذکور، با طبیعت زن و مرد هماهنگ باشند. نتیجه اعتقاد به تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، تفاوت در کارکردها، تفاوت در هویت زنانه و مردانه، تفاوت در نقش‌های جنسیتی، تفاوت در گزاره‌های اخلاقی و تفاوت در نظام حقوقی، تربیتی و آموزشی است.

بر این اساس، برابری در رویکرد اسلامی به معنای تعادل و تناسب است. اگر یکی از دو جنس دارای جایگاه و مسئولیت‌های متفاوتی در عرصه خانواده و یا اجتماع باشد، بر اساس تکالیفی که بر عهده دارد، از حقوق متفاوتی نیز برخوردار خواهد شد. به بیان دیگر، حقوق افراد با تکالیف آنان برابر و متناسب است و میان حقوق و تکالیف، تعادل وجود دارد. بنابراین طرح مقدمات در پارادایم عرفانی توسط سعدیه شیخ، به‌عنوان مستمسکی برای اثبات برابری با تعریف فمینیستی، پذیرفتنی نیست.

فهرست منابع

* قرآن کریم

- ۱- ابن عربی، محی‌الدین، (۱۳۸۳)، فتوحات مکیه، ترجمه: محمد خواجه‌جوی، تهران، مولی.
 - ۲- ابن عربی، محی‌الدین، (۱۳۸۴)، فتوحات مکیه، ترجمه: محمد خواجه‌جوی، تهران، مولی.
 - ۳- ابن عربی، محی‌الدین، (۱۳۸۵)، فتوحات مکیه، ترجمه: محمد خواجه‌جوی، تهران، مولی.
 - ۴- جامی، عبدالرحمن، (۱۸۵۸م) *نفحات الانس*، تصحیح: مولوی عبدالحمید، کلکته، مطبعه لیسسی.
 - ۵- فضلی، علی، (۱۳۹۰)، *علم سلوک*، چاپ دوم، قم، دفتر نشر معارف.
- 6- Shaikh, SA Diyya (1997) Exegetical Violence: Nushuz in Quranic Gender Ideology, Journal for Islamic studies, 17, 49-73.
- 7- Shaikh, SA Diyya (2004) Knowledge, Women and Islam and Christian- Muslim Relation, Gender in the Hadith : a Feminist Interpretation. Vol. 15, No. 1, 99-108.
- 8- Shaikh, SA Diyya (2009) In Search of al-Insan: Sufism, Islamic Law, and Gender, Journal of the American Academy of Religion, pp. 1-42.
- 9- Shaikh, SA Diyya (2013) Feminism, Epistemology and Experience: Critically (En) gendering the Study of Islam, Journal of Islamic studies, Vol.33, 14-47.
- 10- Shaikh, SA Diyya (2012) Sufi narratives of intimacy, Ibn Arabi, gender, sexuality, The university of North Carolina press.

پی نوشت:

- 1- . Shaikh, Sa'diyya. 2019. Allah, Hidden Treasures and the Divine Feminine. Article at The Immanent Frame: Secularism, Religion and the Public Sphere, (special project on the "Body" in "A Universe of Terms") hosted by Social Science Research Council (USA), <http://tif.ssrc.org/2019/05/27/allah-hidden-treasures-and-the-divine-feminine/>
- 2- Shaikh, Sa'diyya. 2018. Explorations in Islamic Feminist Epistemology. Article at Humanities Futures, Franklin Humanities Institute, Duke University <https://humanitiesfutures.org/papers/explorations-islamic-feminist-epistemology/>
- 3- Mahomed, Nadeem and Shaikh. 2018. "Islam between Margins: Reassessing Gender and Sexuality in Islam." The African Journal of Gender and Religion 24, no 2 (Dec): 120-138
- 4- Osman Mujahid and Shaikh, Sa'diyya. 2017. "Islam, Muslims and the Politics of Queerness in Cape Town." Journal of Gender and Religion in Africa Vol. 23 No 2 (Dec): 43-67.
- 5- Shaikh, Sa'diyya. 2015. "Ibn 'Arabi and How to Be Human" Critical Muslims, Special Issue on Race 13: 91-108.
- 6- Shaikh, Sa'diyya. 2013. "Feminism, Epistemology and Experience: Critically (En)gendering the Study of Islam." Journal for Islamic Studies 33: 14-47.
- 7- Hoel Nina and Shaikh, Sa'diyya 2013. "Sexing Islamic Theology: Theorising Women's Experience and Gender Through abd allah and khalifah." Journal for Islamic Studies 33: 127-151.
- 8- Hoel, Nina and Shaikh, Sadiyya, 2013. "Sex as Ibadah: Religion, Gender and Subjectivity among South African Muslim Women." Journal of Feminist Studies in Religion 29 (1): 69-91.
- 9- Shaikh, S., Hoel, N. and Kagee, A. 2011. "South African Muslim Women: Sexuality, Marriage and Reproductive Choices, Research Report" Journal for Islamic Studies 31: 96-124.
- 10- Shaikh, Sa'diyya; Hoel, Nina and Kagee, Ashraf, 2011. "South African Muslim Women: Sexuality, Marriage and Reproductive Choices, Research Report" Journal for Islamic Studies, 31:96-121.
- 11- Hoel, Nina, Shaikh, Sa'diyya and Kagee, Ashraf. 2011. "Muslim women's reflections on the acceptability of vaginal microbicial products to prevent HIV infection." Ethnicity & Health 16 (2): 89 – 106.
- 12- Shaikh, Sa'diyya. 2009. "In Search of Al-Insān: Sufism, Islamic Law and Gender." Journal of the American Academy of Religion 77 (4): 781-822.
- 13- Hoel, Nina and Shaikh, Sa'diyya. 2007. "Veiling, Secularism and Islamism: Gender Constructions in France and Iran". Journal for the Study of Religion, 20 (1):111-129
- 14- Shaikh, Sa'diyya and Kugle, Scott. 2006. "To Love Every Life as Your Own: An Introduction to Engaged Sufism". Journal for Islamic Studies, 26: 1-11.
- 15- Shaikh, S. 2002. 'Islam, Feminisms and the Politics of Representation". Journal of the European Society of Women in Theological Research, 10:93-110.
- 16- Shaikh, S. 1997. "Exegetical Violence: Nushuz in Qur'anic Gender Ideology". Journal for Islamic Studies, 17:49-73.

REFERENCES

* The Holy Quran

- 1- Ibn al-Arabi, Muhi al-Din, (1383), *Al-Futouhat al-Makkiyyah*, translated by: Mohammad Khajavi, Tehran, Mola.
- 2- Ibn al-Arabi, Muhi al-Din, (1384), *Al-Futouhat al-Makkiyyah*, translated by: Mohammad Khajavi, Tehran, Mola.
- 3- Ibn al-Arabi, Muhi al-Din, (1385), *Al-Futouhat al-Makkiyyah*, translated by: Mohammad Khajavi, Tehran, Mola.
- 4- Jami, Abdul Rahman, (1858) *Nafhat Al-Ons*, edited by: Mawlawi Abdul Hamid, Calcutta, Lisi Press.
- 5- Fazli, Ali, (2011), *Science of Behavior*, 2nd Edition, Qom, Ma'aref Publishing Office.
- 6- Shaikh, Saadia (1997) *Exegetical Violence: Nushuz in Quranic Gender Ideology*, *Journal for Islamic studies*, 17, 49-73.
- 7- Shaikh, Saadia (2004) *Knowledge, Women and Islam and Christian- Muslim Relation, Gender in the Hadith: a Feminist Interpretation*. Vol. 15, No. 1, 99-108.
- 8- Shaikh, Saadia (2009) *In Search of al-Insan: Sufism, Islamic Law, and Gender*, *Journal of the American Academy of Religion*, pp. 1-42.
- 9- Shaikh, Saadia (2013) *Feminism, Epistemology and Experience: Critically (En) gendering the Study of Islam*, *Journal of Islamic studies*, Vol.33, 14-47.
- 10- Shaikh, Saadia (2012) *Sufi Narratives of Intimacy, Ibn Arabi, Gender, Sexuality*, The university of North Carolina press.